فصلنامه اقتصاد فضا و توسعه روستایی، سال چهارم، شماره ۳، پاییز ۱۳۹۴، پیاپی ۱۳
صفحات ۹۲-۷۱

نقش اقتصاد محلی در جریان مازاد و بازساخت نظام شبکه منطقه‌ای مورد: استان کرمان*

اسماعیل علی‌اکبری**؛ دانشیار جغرافیا در دانشگاه پیام نور و عضو قطب توسعه پایدار محیط جغرافیایی، دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ایران.
مصطفی طالشی؛ دانشیار جغرافیا در دانشگاه پیام نور و عضو قطب توسعه پایدار محیط جغرافیایی، دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ایران.
نیره حاج امینی؛ دانشجوی دکتری جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری، مرکز تحصیلات تکمیلی دانشگاه پیام نور، تهران، ایران.

دریافت مقاله:۱۳۹۴/۱/۲۳ پذیرش نهایی: ۱۳۹۴/۶/۱۶

چکیده

تغییرات ساخت و عملکرد نظام‌های شهری جریانی مداوم و پیوسته در فضا است. این تغییرات که بر سازمان دادن تولید و بازتولید اجتمایی برای پاسخ به منافع نیروهای مسلط استوار است،در طول زمان الگوهای متفاوت ساختاری و کارکردی می-آفرینند. در این مقاله کوشش شده با روش توصیفی- تحلیلی و با استفاده از داده‌های اسنادی رابطه اقتصاد محلی، جریان مازاد و بازساخت نظام شهری در فضای ناحیه‌ای کرمان تحلیل شود. در آغاز و طی زمان طولانی تا اصلاحات ارضی، تملک مازاد به‌وسیله مالکان مبنای اشکال مختلف کنترل اجتماعی بر سازمان فضایی ناحیه بوده که سلطه‌ی شهر بزرگ ناحیه (کرمان)، شکل غالب بازتاب فضایی آن در شبکه شهری بوده است. پس از اصلاحات ارضی با شکل‌گیری دولت رانتی، اثربخشی مازاد ملی نفت در شکل‌گیری فضای ناحیه مؤثر بوده است. از دهه هفتاد دگرگونی‌های شهری به‌وسیله تولید ساختارهای جدید شرایط جذب، جریان و انباشت نابرابر مازاد در شبکه شهری را فراهم آورده و بدین‌سان به اشکال جدید ناموزونی در فضای ناحیه‌ای دامن زده است. بر این اساس، استراتژی واقعی برای یکپارچگی ناحیه‌ای و بازساخت شبکه شهری و منطقه ای بر مبنای کاهش روابط سلطه جویانه مادرشهر ناحیه و دسترسی به فرصت‌های برابر رشد برای اعضاء شبکه می-بایست بر مدلی استوار باشد که از طریق آن، تولید اشتغال متکی بر ظرفیت‌های درونی برای رشد اقتصادهای محلی در طیف پایین شبکه از یک سو و رشد برونگرای گره بزرگ شهری (کرمان) در ادغام با چند گره قدیمی در حال توسعه (رفسنجان، سیرجان، جیرفت، بم و زرند) از سوی دیگر فراهم آید. واضح است، کارآیی این مدل بدون بازنگری و بازاندیشی در مناسبات ساختاری، مضامین و قوانین جاری در جریان سلطه جویانه مازاد ملی، مسئله پیچیده و دشواری خواهد بود.

واژگان کلیدی: اقتصاد محلی، نظام شهری، مازاد اجتماعی، بازساخت شبکه شهری، کرمان.

---

* این مقاله برگرفته از رساله دکتری با عنوان «جریان مازاد و نقش آن در ناپایداری نظام شهری» به راهنمایی آقای دکتر اسماعیل علی-اکبری و مشاوره آقای دکتر مصطفی طالشی بوده است.

** Email: aliakbariesmaeil@yahoo.com

[Downloaded from system.khu.ac.ir on 2026-11-02]

[DOI: 10.18869/acadpub.serd.4.13.71]

۱) مقدمه

تغییرات الگوهای فضایی و پویش ساختاری و کارکردی آن که به ظاهر در روابط و پیوندهای فیزیکی میان شهرها و شبکه شهری و روستایی متجلی است، در اساس به نیروهایی مربوط است که سازوکارهای واقعی جذب، هدایت و انتقال جریان‌های سرمایه، نیروی کار و جمعیت را بر عهده دارند.اقتصاد فضا یا ساختار فضایی یک اقتصاد (افراخته،۱۳۹۱: ۴۱) نقش کلیدی در جریان مازاد و ساخت و بازساخت نظام فضایی شبکه منطقه ایی به ویژه شبکه شهری بر عهده دارد. شهرها پیوسته از درون تحت تأثیر نیروهای متعدد فضا (محیطی، اقتصادی-اجتماعی، تاریخی و سیاسی) تغییر می‌کنند. حاصل این تغییرپذیری که در ساختارهای درون شهری به صورت گسترش فیزیکی ساختارها و تغییرات کالبدی و کارکردی دیده می‌شود،در فضای ناحیه‌ای و روابط پیرامونی تغییرات اساسی در ساختار فضایی نظام شبکه منطقه ای به طور اعم و نظام شهری به طور اخص پدید می‌آورد. چرا که میان اجزای ساختاری و کارکردی تمامی پدیده های جغرافیایی همچون شهرها و روستاها ، مناطق و نواحی پیوند تنگاتنگ و غیر قابل انکار عمودی و افقی برقرار است که مجموعه حاصل از آن قابلیت های آن نظام را نمایندگی و تحقق‌پذیر می‌سازد (سعیدی،۱۳۹۱: ۱۱).

شالوده مطالعاتی که تاکنون درباره نظام‌های شهری انجام شده جز تعدادی اندک، عموما به تشریح جنبه-های ریخت‌شناسی و ابعاد کمی نظام‌های شبکه شهری پرداخته‌اند. این مطالعات با فراهم آوردن اطلاعات اساسی درباره وضع موجود نظام‌های شهری، به پیشبرد مطالعات و گسترش دامنه شناخت در این زمینه کمک شایانی کرده است. واضح است، مطالعه نظام‌های شهری زمانی به تدوین یک چارچوب تحلیلی یا نظریه پایه و پشتوانه کمک می‌کند و یا در تدوین یک استراتژی کارآمد بازساخت فضا، مؤثر و مفید است که به مطالعه و فهم تغییرات، نیروها و فرآیندهای اثرگزار بر ساخت و بازساخت نظام شهری بپردازد و از این منظر، سازمان‌یابی و بازسازمان‌یابی شبکه شهری را در فضای ناحیه‌ای تحلیل و توجیه نماید.

این مقاله ابتدا بر مبنای تغییرات نظام شهری استان کرمان، تصویری از نابرابری فضای ناحیه‌ای ارایه می-دهد؛ سپس به اقتصاد محلی، منابع و مناسبات مازاد در دوره‌های سنتی و جدید و دگرگونی‌های درون شهری آن می‌پردازد و در نهایت الگوهای فضایی برآمده از گردش مازاد را در قالب ساخت و بازساخت نظام شبکه شهری ناحیه‌ای تبیین و تحلیل می‌نماید. شالوده مقاله بر طرح چند سوال و ردیابی علمی برای پاسخ به آن پایه‌گذاری شده است. تغییرات نظام سکونتگاهی و نیروهای پدیدآورنده آن کدامند؟ جریان، جذب و تمرکز مازاد محصول اجتماعی چه تأثیری بر تغییرات نظام شهری داشته است؟ نظام شبکه مانند هر شبکه دیگری، برای یکپارچگی ناحیه‌ای به سمت معکوس کردن توان سلسله مراتبی، چگونه پیش می‌رود؟

[Downloaded from system.khu.ac.ir on 2026-11-02]

[DOI: 10.18869/acadpub.serd.4.13.71]

هدف اصلی مقاله، درک علی و فهم نیروها (منابع) و مکانیسم‌های بنیادی است که مازاد تولید اجتماعی را به سوی سرمایه‌گذاری‌های انسانی و فیزیکی سوق داده و گردش جغرافیایی آن را در فضای ناحیه‌ای شکل می‌دهد. یافته‌های مقاله در تحلیل ساختاری علل و ریشه‌های نابرابری ناحیه‌ای ناشی از برتری‌یابی و سلطه-جویی مراکز شهری بر مراکز روستایی و روستاشهری و بر همین اساس، شناخت استراتژی‌های یکپارچگی ناحیه‌ای بر مبنای ساخت و بازساخت نظام شهری کاربرد دارد.

۲) مبانی نظری

مطالعات مختلف رویکردهای متفاوتی به نظام شهری و شیوه‌های شکل‌گیری مازاد تولید در نواحی روستایی و قلمروهای تولید اتخاذ کرده‌اند. سینجر (۱۳۵۸)، اعتماد (۱۳۸۳)، عظیمی(۱۳۷۹)، نظریان (۱۳۸۹)، شاه حسینی و رهنمایی (۱۳۸۹) و علی اکبری(۱۳۹۲) شبکه شهری را نظام گردشی پیچیده‌ای میان مراکز شهری دارای عملکردهای متفاوت می‌دانند. در این زمینه پل سینجر معتقد است شبکه شهری روند پویایی از جابجایی عملکرد در شهرها و مراکز تولید وابسته به آن است؛ به‌طوری که باعث تخلیه نسبی یک منطقه (بعضا روستایی) و تمرکز و تراکم در منطقه دیگری می‌گردد (سینجر، ۱۳۵۸: ۱۸۵). اعتماد معتقد است در ایران نظیر بسیاری از کشورهای در حال توسعه شبکه شهری در دوره پیش‌سرمایه‌داری همگون بوده و هر منطقه شهر اصلی خود را داشت. این شهر اصلی مازاد اقتصادی منطقه یا نواحی روستایی را استخراج و در مقابل خدمات لازم (سیاسی، اقتصادی و اجتماعی) را به منطقه ارائه می داد و بدین‌سان در کل شبکه شهری تمرکز چندانی از لحاظ سرمایه و امکانات اشتغال وجود نداشت. با رشد سرمایه‌داری وابسته و ایجاد تمرکز، نقش میانی شهرهای کوچک و متوسط کم رنگ شد و به‌دنبال آن نوعی شبکه شهری زنجیره‌ای پدیدار گشت که از طریق آن هر شهر کوچک یا متوسط و حتی هر روستا مستقیما و به صورت زنجیره‌ای با مادر شهر اصلی در ارتباط است (اعتماد، ۱۳۸۳: ۱۱۵).

شاه حسینی و رهنمایی در توصیف ساختار توزیع اندازه نظام شبکه شهری سلطه شهر نخست و فقدان یا ناکارآمدی شهرهای کوچک و متوسط را مانع اصلی نظام سلسله مراتب شهری دانسته و آن را از عوامل بازدارنده روابط منطقی در فضای ناحیه‌ای می‌دانند (شاه حسینی و رهنمایی،۱۹:۱۳۸۹). علی‌اکبری نقش تمرکزگرایی شهری طرح‌های توسعه منطقه‌ای را در پیدایی تغییرات و ایجاد ناموزونی در سازمان فضای نظام شهری تحلیل کرده است. در حالی که نظریان چهار حالت را برای وضعیت شبکه شهری ایران ترسیم می‌کند: شبکه شهری پیش‌سرمایه‌داری و شبکه شهری منطقه‌ای، استقرار نظام سرمایه‌داری و پیدایش شبکه شهری

[Downloaded from system.khu.ac.ir on 2026-11-02]
[DOI: 10.18869/acadpub.serd.4.13.71]

زنجیره‌ای، تغییرات شبکه شهری و پیدایش منطقه کلان‌شهری و دورنمای آینده شبکه شهری و پیدایش منظومه‌های شهری (نظریان،۱۳۸۹:۱۸۷).

رئیس‌دانا در پاسخ به این سوال که چرا در نظام شبکه شهری کشورهای کم توسعه معمولا تعداد زیادی شهرهای کوچک و تعداد کمتری شهرهای متوسط و بالاخره چندتایی شهر بزرگ و احتمالاً یکی دو کلانشهر وجود دارد، عامل اصلی را به فرآیند توسعه ناموزون در جهان امروز مربوط می‌داند که در آن انباشت سرمایه به دنبال اصل حداکثر سود و قدرت‌های اقتصاد جهانی ناگزیر جنبه بسیار متمرکز دارند (رئیس دانا،۱۳۸۰:۷۴۵). ضرابی در تحلیل تغییرات کارکردی نظام شهری در عصر جهانی شدن بیان می‌کند که بی-تردید نیروهای اجتماعی که در ساخت نظام شهری دخالت دارند هر یک کارکرد مناسب با اهداف و نیازهای خود را از نظام شهری طلب می‌کنند لیکن در تحلیل نهایی، ساخت و کارکرد اصلی این نظام در جهت اهداف همان نیروهایی سازمان‌یابی می‌شود که قدرت برتر اقتصادی و اجتماعی را به خود اختصاص داده‌اند (ضرابی و عبدالهی،۱۳۸۵:۶۵).موسیل [1]در مقایسه کشورهای اروپایی بعد از رژیم کمونیستی با شهرهای سرمایه‌داری،به تفاوت‌های قابل توجهی در الگوهای تراکم جمعیت، موقعیت نواحی مسکونی با کیفیت بالا، الگوهای تفکیک اجتماعی، مناطق رو به زوال شهری و آلونک‌نشینی اشاره می‌کند و این تفاوت ها را برجسته‌تر از تفاوت‌هایی می‌داند که قانونمندی را در الگوهای بین شهری از جمله سلسله مراتب شهری، مدل‌های رتبه - اندازه و نخست شهری توضیح می‌دهند (Musil,1993: 900). واندرلن در مطالعه‌ای تجربی تغییرات سیستم‌های شهری هلند را در تعامل با سیستم شهری روزانه بررسی کرده و آن‌ها را به‌عنوان مراحلی از توسعه می‌داند که به‌ویژه به تغییرات در ساختار اقتصادی بستگی دارند(Vanderlaan, 1998: 244).

بسیاری از دیدگاه‌ها و نظریه‌هایی که تکوین و تحول سازمان فضایی نظام شهری- سکونتگاهی را در کشورهای در حال توسعه تفسیر می‌کنند چون مرکز- پیرامون، قطب رشد، نوگرایی و نظریه وابستگی، تحلیل‌ها، الگوهای کلان و تعمیم‌های گسترده‌ای ارائه می‌دهند که در سطوح ملی و فراملی کاربرد دارند اما کارکرد تحلیلی چندانی در تبیین سازمان فضایی نواحی ندارند و از افشای واقعیت تحولات توسعه و تغییرات شهری در سطح محلی و منطقه‌ای عاجزند.

برای تبیین تحولات شبکه منطقه ای بررسی سازوکارهای دودسته از عوامل ضروری است. نخست عوامل و نیروهایی که از بیرون نظام شبکه را تحت تأثیر قرار می‌دهند و دیگری عواملی که به تولید عملکردهای داخلی کمک می‌کنند و از درون نظام شبکه را سازماندهی می‌کنند. به زعم هاروی مطالعه شهری شدن، بررسی هستی حقوق سیاسی یا مصنوع فیزیکی نیست بلکه به مطالعه فرآیند چرخه‌های سرمایه، جریان‌های

[1] Musil

[Downloaded from system.khu.ac.ir on 2026-11-02]

[DOI: 10.18869/acadpub.serd.4.13.71]

متغیر نیروی کار، کالاها و سرمایه پولی، سازمان فضایی تولید و دگرگونی مناسبات فضایی، جابجایی اطلاعات و تعارضات جغرافیایی میان ائتلاف‌های طبقاتی مبتنی بر سرزمین و غیره مرتبط است (هاروی، ۱۳۸۷: ۲۲) که هر یک به سهم خود در ساخت و عملکرد شهر و بازساخت زمانی- مکانی نظام شهری در فضای ملی، ناحیه‌ای و محلی تأثیرگذار است.

در واقع از نظر هاروی اشکال ناموزونی فضایی حاصل سازوکارهای بنیادینی است که تنها با دنبال کردن مسیر حرکت و فرآیند انباشت سرمایه که نشانگر توسعه‌های بی‌ثبات و توسعه‌های جغرافیایی ناموزون تشدید شونده است می‌توان آنها را تبیین کرد (هاروی،۱۳۸۶:۲۸۲). وی در شرح این مفهوم می‌افزاید در اقتصاد سرمایه‌داری ارزش اضافی انباشته، به مقیاس بزرگی برای خلق مقادیر بزرگ‌تری از ارزش اضافه به‌کار گرفته می‌شود. بنابراین لازم است الگوهای فضایی و بخشی گردش ارزش اضافی، به‌عنوان سودی که به منظور تحقق سود بیشتر سرمایه‌گذاری می‌گردد مورد بررسی قرار گیرد. ساده‌ترین شکل گردش فضایی هنگامی پدیدار می‌گردد که یک شهر به استخراج تولید مازاد از قلمرو کشاورزی تحت نفوذش مبادرت می‌ورزد. انفکاک درونی در اقتصاد شهر با گردش ارزش اضافی در شهر همراه است و با پیدایش صنعت، شهر علاوه بر آن که محل استخراج ارزش اضافی است به مکانی برای تولید نیز بدل می‌گردد. پیدایش مناسبات بازرگانی بین شهرها الگوهای گردش مازاد را به‌نحوی گسترش می‌دهد که ارزش اضافی می‌تواند از تجارت و بازرگانی نیز استخراج شود. کلان‌شهرنشینی جامع معاصر ترکیبی از کلیه این عناصر است و الگوی فضایی و بخشی گردش اضافی در این شرایط بی‌نهایت پیچیده‌اند (هاروی،۱۳۸۵: ۱۷۸-۱۷۹).

بنیان نظری مربوط به فرآیند شهری شدن و جریان مازاد بر مفهوم چندوجهی مازاد و فهم چند تعریف و تفاوت در این زمینه استوار است. نخست خود مازاد که مقداری از منابع مادی است که یک گروه به هزینه گروه دیگری آنرا به نفع خود تصرف می‌کند (همانجا،۱۶۲). در کلیه شیوه‌های تولیدی که در تاریخ وجود داشته است (به جزء اشکال اشتراکی اولیه سازمان‌یابی اجتماعی)، مازاد در شکل جدا شده و از خود بیگانه اش ظاهر گشته است؛ به همین دلیل در این جوامع مازاد را می‌توان با محصول از خود بیگانه یکسان دانست (همانجا). اما ارزش اضافی، آن بخش از کل ارزش تولید است که پس از کسر سرمایه ثابت (مشتمل بر ابزار تولید و مواد خام) و سرمایه متغیر (نیروی کار) باقی می‌ماند. در شرایط سرمایه‌داری، ارزش اضافی معادل شکل پولی مازاد اجتماعی تولید است. هنگامی که طبقه حاکم بخشی از تولید جامعه (تولید اضافی) را منحصراً در شکل پولی به خود اختصاص می‌دهد، از اصطلاح ارزش اضافی به جای تولید اضافی استفاده می‌شود (مندل،۱۳۸۶: ۲۸).

[Downloaded from system.khu.ac.ir on 2026-11-02]

[DOI: 10.18869/acadpub.serd.4.13.71]

بدین‌سان، مازاد اجتماعی تولید، نتیجه تخصیص رایگان کار یا تخصیص بلاعوض تولید است که طبقه حاکم از تولیدات طبقه تولیدکننده به خود اختصاص می‌دهد (همانجا). مسئله اساسی در سرمایه‌داری انحصاری، توانایی نظام برای ایجاد و استفاده از مازاد اقتصادی است. مازاد اقتصادی به‌عنوان ارزش میان آنچه یک جامعه تولید می‌کند و هزینه‌های تولید آن تعریف می‌شود (ریترز، ۱۳۷۲: ۲۳۷). از نظر پل باران سه نوع مازاد اقتصادی وجود دارد؛ مازاد اقتصادی بالفعل، مازاد اقتصادی بالقوه و مازاد اقتصادی مبتنی بر برنامه‌ریزی جامع اقتصادی در نظام سوسیالیستی (افروغ، ۱۳۷۹: ۸۶). بر این اساس، مفهوم مازاد می‌تواند از طریق یک رابطه ساده بیان گردد؛ p-c=s که در آن p تولید، c مصرف و s همان مازاد است (عظیمی،۱۳۸۱: ۲۳).

علاوه بر مراحل و الگوی توسعه اقتصادی اجتماعی جامعه، منشاء مازاد نیز به خودی خود در شکل‌گیری سازمان فضایی مؤثر است. در نتیجه نظام فضایی به ویژه نظام شهری با منشاء تولید کشاورزی یا صنعتی دارای ویژگی‌هایی است که متفاوت از سازمان فضایی برآمده از سایر گونه‌های مازاد است. یکی از این گونه‌ها رانت است که آن را می‌توان نوعی مازاد یا سود غیرتولیدی دانست که به دنبال ایجاد کمیابی‌های طبیعی یا ساختگی فراهم می‌آید. این سود غیرتولیدی بیش از مقداری است که برای به‌کارگیری یک عامل تولیدی لازم است؛ به‌گونه‌ای که اگر این مقدار مازاد نیز از عامل تولید گرفته شود ممکن است هنوز هم انگیزه فعالیت و تولید وجود داشته باشد (خضری،۱۳۸۴ :۷۰). سود غیرتولیدی خارج از فرآیند تولید اقتصادی که مستلزم به مخاطره انداختن سرمایه و کوشش فردی است به‌دست می‌آید؛ یعنی در نتیجه بهبود فرآیند مدیریت، خلاقیت و نوآوری، افزایش بهره‌وری و کارآیی سازمانی حاصل نمی‌شود (همانجا). بنابراین، رانت شکل تجسم یافته مازاد محصول اجتماعی است که در چارچوب بازتوزیع اجتماعی و رشد اقتصادی گونه‌های متفاوتی از آن می‌تواند پدید آید و نظام فضایی به‌ویژه نظام شهری خاص خود را بیافریند. در ایران رانت به ویژه نوع نفتی آن یک نیروی مادی قوی فراهم آورده که با آثار سیاسی، اجتماعی و بازتاب‌های فضایی گسترده در ساختار جامعه و فضا همراه است. این نیرو در عین حال با سرمایه‌گذاری‌های انحصاری، سوداگری و نیز سرمایه‌گذاری در ساختمان‌سازی همراه است که نقش اقتصادی در ساختار و کارکرد انباشت سرمایه ایجاد می‌کند (رئیس دانا،۱۳۸۰: ۳۲۷). از همین روست که شناخت ماهیت مازاد محصول اجتماعی و چگونگی بازتاب آن در فضا و زمان، تبیین دقیقی از مسائل فضایی نظام شهری را در چارچوب اقتصاد سیاسی میسر می‌سازد.

[Downloaded from system.khu.ac.ir on 2026-11-02]

[DOI: 10.18869/acadpub.serd.4.13.71]

۳) روش تحقیق

شناخت قانونمندی‌های حاکم بر پیدایی و تغییرات نظام شهری در چارچوب تفکر اقتصاد سیاسی (نظریه پایه)موضوعی است که این پژوهش بر اساس آن روند تغییرات اقتصادی – اجتماعی و سازوکارهای بنیادین در خلق و تغییر الگوهای سازمان فضایی را در فضای ناحیه‌ای بررسی می‌کند. بدین‌سان، با توجه به ماهیت موضوع و مؤلفه‌های آن، بهره‌گیری از روش توصیفی- تحلیلی با رویکرد علی و ژرفانگر اجتناب‌ناپذیر بوده است. جامعه آماری شامل مراکز شهری استان کرمان در تعریف رسمی و آماری است. اطلاعات نظری و کمی با روش اسنادی از منابع علمی و آماری تهیه شده است. در تشریح و تفسیر قانونمندی‌های توزیع اندازه شهرها و تغییرات نظام شبکه شهری، از مدل‌ها و روش‌های کمی رتبه – اندازه و نخست شهری که سلسله مراتب فضایی و روابط بین شهری را توضیح می‌دهند استفاده شده است.

استان کرمان یکی از کهن‌ترین نواحی مرکز استقرار سکونتگاه‌های انسانی در فلات مرکزی ایران است. فضای مورد نظر در یک بردار زمانی طولانی، به کمک پاره‌ای قابلیت‌های درونی و تأثیر برخی محرک‌های بیرونی، روند نقش‌آفرینی در یک سیستم ناحیه‌ای به عنوان یکی از مراکز مهم تولیدات پیشه‌وری (اعتماد،۱۳۸۳: ۱۲۰) را به آرامی طی کرده است. بررسی روند تحولات جمعیتی نشان می‌دهد در نیمه دوم قرن نوزده میلادی، حدود ۱۳ تا ۱۴ هزار نفر در شهر کرمان زندگی کرده‌اند. با توسعه توان مایه‌های معیشت کشاورزی، جمعیت رو به افزایش گذاشت. از دهه ۱۹۳۰م (۱۳۰۹ش) خدمات بهداشتی درمانی متمرکز شده در شهرها به بهبود شرایط زیستی و نیز افزایش نرخ موالید کمک کرده است. جمعیت در سال ۱۳۰۹ به ۳۵ هزار نفر و یک دهه بعد به ۵۰ هزار نفر رسیده است. در نخستین سرشماری رسمی (۱۳۳۵) جمعیت به ۶۲۱۵۷ نفر افزایش یافته است و در همین زمان شش کانون جمعیتی دیگر هر یک جمعیتی بین ۵ تا ۱۵ هزار نفر را در خود اسکان داده‌اند. به این ترتیب، شهری شدن به عنوان افزایش نسبی جمعیت شهری طی نیم قرن اخیر در استان و شهر کرمان روندی رو به رشد داشته است.

بررسی اطلاعات چند دوره سرشماری کشور (جدول شماره ۱) حاکی است که نظام اسکان در استان همانند نظام شهرنشینی کشور، نظام توزیع شهری ناهمگونی است؛ چرا که در متن این نظام توسعه نامتوازن شهرهای کوچک و متوسط در سایه اقتدار و برتری نخست شهر ناحیه از تحرک و پویایی باز مانده‌اند. تداوم تاریخی این عدم توازن و ادامه آن تاکنون، اساسا به دلیل اثرات ناشی از ساختارهای اقتصاد سیاسی در قالب تمرکز مازاد در فضای سلطه است که بر مبنای آن مازاد تولید اجتماعی شهرهای کوچک به نفع شهرهای بزرگ زهکشی می‌شود. حاصل این فرآیند در ساخت و بازساخت فضا، شهری شدن متکی بر توسعه برون‌زا

[Downloaded from system.khu.ac.ir on 2026-11-02]
[DOI: 10.18869/acadpub.serd.4.13.71]

است که در آن انباشت مازاد در کانون‌های قدرتمند شهری، شبکه‌ای ناهمگون از شهرها به وجود آورده که از عوامل اساسی عدم تعادل و نابرابری در فضای ناحیه‌ای و شبکه منطقه ای است.

جمعیت شهری استان از ۱۳۴۵۷۴ نفر در سال ۱۳۳۵ به ۱۶۸۹۸۴۲ نفر در سال ۱۳۹۰رسیده و تعداد مراکز شهری از ۹ نقطه به ۶۴ شهر افزایش یافته است. توزیع فضایی این کانون‌ها در پیکره جغرافیایی استان، ناهمگون و اندازه جمعیتی آن‌ها نیز نامتعادل است. نابرابری جمعیتی در نظام شبکه (از ۱۰۳۵ نفر در هجدک تا ۶۰۰ هزار نفر در کرمان) تنها یکی از جنبه‌های صوری و آشکار این ناهمگونی است؛ حاکمیت مناسبات سلطه، نابرابری نهان و ناموزونی نهفته در ساختار و کارکرد نظام شهری ابعاد به مراتب عمیق‌تر، مهم‌تر و تعیین کننده‌ای هستند که بایستی در این رابطه به آن پرداخت. جدول شماره ۱ تغییرات نظام سکونتگاه‌های شهری استان را در نیم قرن اخیر و شکل شماره ۱ الگوی فضایی آن را در سال ۱۳۹۰نشان می‌دهد. تمرکز جمعیتی آشکار در مادرشهر اصلی (کرمان) و حاکمیت نخست شهری با درجه برتری بالا، حضور مراکز شهری کوچک و تعداد زیاد روستا- شهرها، موانعی هستند که دسترسی به خدمات اساسی، اشتغال کافی و کسب درآمدهای برابر را برای جمعیت قابل توجهی غیر ممکن ساخته است.

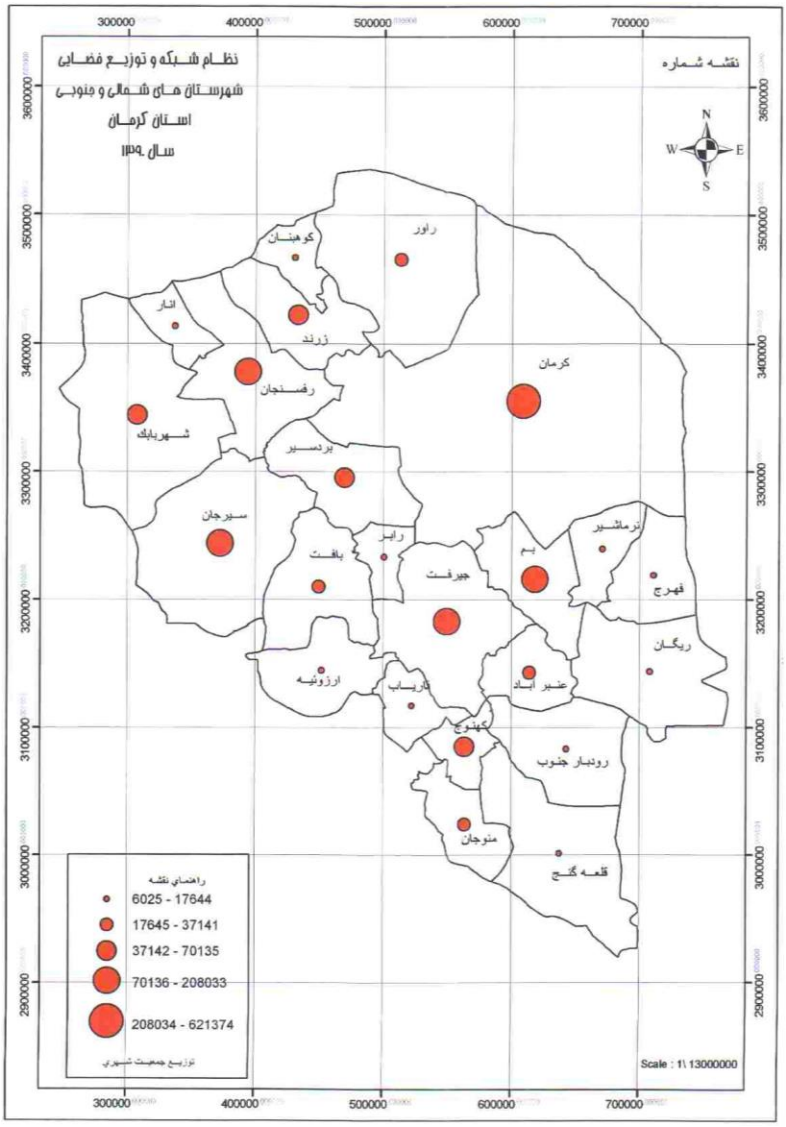
جدول شماره (۱): تحولات نظام سکونتگاه‌های شهری استان کرمان ۱۳۹۰-۱۳۳۵

طبقات / سال	کمتراز ۵۰۰۰نفر	۵-۱۰ هزارنفر	۱۰-۲۵ هزارنفر	۲۵-۵۰ هزارنفر	۵۰-۱۰۰ هزارنفر	۱۰۰-۲۵۰ هزارنفر	۲۵۰-۵۰۰ هزارنفر	بیش از ۵۰۰هزارنفر	درصدجمعیت شهراول	درجه نخست شهری	درصد شهرنشینی استان	تعداد شهر	جمعیت استان
۱۳۳۵	۳	۴	۱	۰	۱	۰	۰	۰	۵۶/۴۱	۰/۶۲	۱۷/۰۴	۹	۷۸۹۳۴۵
۱۳۴۵	۰	۷	۳	۰	۱	۰	۰	۰	۴۳/۴۶	۰/۵۷	۲۵/۷۸	۱۱	۷۶۱۸۵۱
۱۳۵۵	۰	۶	۳	۳	۰	۱	۰	۰	۴۰/۱۲	۰/۵۴	۳۲/۲	۱۳	۱۰۹۱۱۴۸
۱۳۶۵	۳	۵	۸	۲	۳	۰	۱	۰	۳۶/۸۲	۰/۵۶	۴۳	۲۲	۱۶۲۲۹۵۸
۱۳۷۵	۶	۳	۹	۴	۳	۱	۱	۰	۳۶/۳	۰/۵۶	۵۲/۹	۲۷	۲۰۰۴۳۲۸
۱۳۸۵	۱۸	۲۰	۹	۴	۳	۲	۰	۱	۳۳/۷۲	۰/۵۶	۵۸/۵۳	۵۷	۲۶۵۲۴۱۳
۱۳۹۰	۱۸	۲۲	۱۴	۲	۴	۳	۰	۱	۳۲/۷۲	۰/۵۶	۵۷/۵	۶۴	۲۹۳۸۹۸۸

منبع: مرکز آمار ایران، ۱۳۳۵ تا ۱۳۹۰.

[Downloaded from system.khu.ac.ir on 2026-11-02]

[DOI: 10.18869/acadpub.serd.4.13.71]



شکل شماره (۱): الگوی توزیع فضایی نظام شهری استان کرمان(۱۳۹۰)

۴) یافته‌های تحقیق

اول، اقتصاد روستایی، مناسبات مازاد و سلطه شهری(دوره سنتی)

طی قرون متوالی تا سال‌های اجرای اصلاحات ارضی، روستائیان ایران از جمله دهقانان اجاره کار (سهم-بر)، بافنده فرش و چوپانان به طور ناگسستنی تحت سلطه شهری و سازمان‌های اقتصاد ناحیه‌ای بوده‌اند. انگلیش [1](۱۹۶۶) در اثر ارزشمند خود، سلطه شهری و سازوکار اشکال متنوع روابط سلطه که موجب تمرکز ثروت و قدرت در شهر کرمان شده را با دقت بررسی کرده است. وی از ۴۱ سکونتگاه روستایی در ناحیه کرمان نام برده که در ۱۳ روستای آن بیش از سه دانگ و ۲۲ روستای آن به طور کامل به مالکان غایب تعلق

[1] English

[Downloaded from system.khu.ac.ir on 2026-11-02]
[DOI: 10.18869/acadpub.serd.4.13.71]

داشته است (اهلرس، ۱۳۸۰: ۲۲۶). بر اساس این مطالعه در سال های پس از اصلاحات ارضیT مالکیت عوامل تولید در سه عرصه اصلی اقتصاد روستایی یعنی زراعت (سیستم تصدی زمین)، دامداری (قراردادهای چوپانی) و صنایع دستی (قراردادهای بافندگان فرش) همچنان در اختیار طبقات بالای عناصر شهری بوده است.این بدان معناست که سلطه شهری پس از اصلاحات ارضی هم ادامه داشته است.

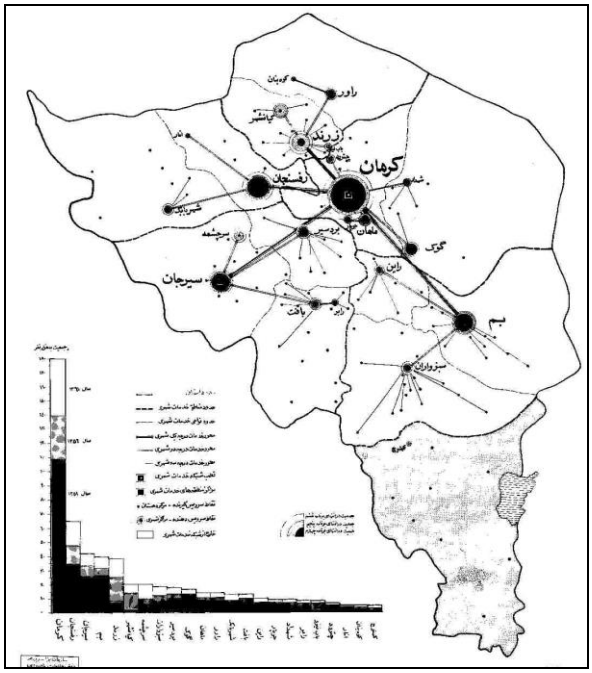
در بخش کشاورزی زمین و آب اساسا متعلق به زمین‌داران بزرگ (ارباب)، در دامداری گوسفند و بز متعلق به ساکنان شهری و در بافندگی گله‌های بزرگ، کارگاه‌های بافندگی و رنگ‌ریزی متعلق به تجار فرش بوده است. این عوامل توسط برگزیدگان شهری به کشاورزان، بافندگان و چوپانان برای امرار معاش اجاره داده می‌شد. در واقع اکثریت کشاورزان، دهقانان اجاره کار بی‌زمین بوده‌اند. این فعالیت‌ها در چارچوب قراردادهای سالانه کتبی یا شفاهی با مالکان انجام شده و در قبال آن دستمزد ناچیزی در حد گذران معیشت به آن‌ها تعلق می‌گرفت. از سوی دیگر، الگوی توزیع زمین و درآمد کشاورزی میان بهره‌برداران کشاورز با زمین در چهارده استان کشور در سال ۱۳۳۹، بر اساس ضرایب جینی در پنج حالت بیان شده است(عظیمی آرانی،۳۵۲:۱۳۸۳): ۱) توزیع زمین کشاورزی بین بهره‌برداران؛ ۲) توزیع محصول ناخالص کشاورزی بین بهره‌برداران؛ ۳) توزیع محصول خالص کشاورزی بین بهره‌برداران پس از پرداخت سهم ارباب؛ ۴) توزیع محصول خالص کشاورزی بین بهره‌برداران پس از پرداخت سهم برزگران و دهقانان بی‌زمین و ۵) توزیع درآمد کشاورزی و غیرکشاورزی بین بهره‌برداران.

ضرایب جینی برای پنج گزینه فوق در مناطق روستایی استان کرمان به ترتیب ۰/۷۴ و ۰/۶۹ و۰/۷۱ و۰/۴۸ و ۰/۴۷ بوده است که بر اساس آن در همه موارد حداکثر توزیع ناعادلانه به مناطق روستایی تعلق داشته است. معیارهای رسمی نابرابری اجتماعی نظیر ضریب جینی تأیید می‌کنند که طی سال‌های طولانی، از طریق استثمار شدید نیروی کار در بخش کشاورزی، امکان انباشت ثروت برای مالکان شهرنشین و مادرشهر ناحیه (کرمان) فراهم آمده است. به‌علاوه، بر اساس آمار رسمی در سال ۱۳۳۵ از جمعیت ۷۸۹۳۴۵ نفری استان، ۲۶۴۵۸۲ نفر جمعیت ده سال به بالا در فعالیت‌های عمده اقتصادی مشغول به‌کار بوده‌اند. از این تعداد بیش از پانزده هزار نفر یا ۵/۶۶ درصد به تولید در صنایع خانگی و حدود ۸۸۵۸ نفر (۵۹/۰۵ درصد)آنها در تولید قالی و پارچه‌بافی فعالیت داشته‌اند. به‌طور کلی با توجه به داده‌های جمعیتی(جدول ۱) تا قبل از دهه پنجاه روند شهری شدن در استان کرمان به آرامی پیش رفته است. اهلرس که رشد شهرهای بزرگ در ایران را طی سال‌های ۵۵-۱۳۳۵ محاسبه کرده آهنگ رشد شهر کرمان را ۳۷ درصد در سال‌های ۴۵- ۱۳۳۵، ۶۵ درصد در دوره ۵۵-۱۳۴۵ و ۱۲۵ درصد در دوره بیست ساله ۵۵-۱۳۳۵ برآورد کرده است (اهلرس،۲۴۷:۱۳۸۰). وی این رشد سریع را تجلی نوعی سیاست صنعت‌گرایی شتابان به‌شمار آورده است

[Downloaded from system.khu.ac.ir on 2026-11-02]
[DOI: 10.18869/acadpub.serd.4.13.71]

(همانجا).در واقع در این دوره شبکه شهری- منطقه ای و شهر کرمان در روند و آهنگ متفاوتی رشد کرده اند.

پیامد نابرابری در بخش‌های کشاورزی و میان نواحی روستایی - شهری استان چنانچه در شکل ۲ ملاحظه می شود رشد ناموزون نظام شهری است که ناهمگونی توزیع اندازه را در فضای ناحیه‌ای پدید آورده (شکل ۲)و از طریق آن مادرشهر ناحیه امتیازات تمرکز سرمایه، امکانات، فعالیت‌ها و جمعیت را به نفع خود تصاحب کرده است.این ویژگی کارکردی سلطه‌گر و سیطره‌آمیز به عنوان خصوصیت بنیادین سرمایه‌داری بهره‌بری از طریق شهر کرمان بر روستاها و شهرهای کوچک‌تر ناحیه اعمال شده است.



شکل شماره (۲): نقشه شبکه شهری استان کرمان در سال ۱۳۵۰

دوم، تحول شبکه اقتصاد محلی، پیدایش رانت نفتی و شهری شدن وابسته

از دهه ۱۳۵۰، درآمد حاصل از حق امتیاز مالکانه (نفت) با سرعت تصور ناپذیری افزایش یافت. این گنج افسانه‌ای به دست دارندگان توزیع و باز توزیع می‌شد. این دست به دست شدن ساختار اشتغال را دگرگون ساخت. با شکل گرفتن دیوان‌سالاری گسترده و وضعیت وابسته، گروهای بزرگ کشاورزان تنگدست و بیکار (حاصل سیاست‌های اصلاحات ارضی) روانه شهرها شدند. با آزاد شدن نیروی کار کشاورزی، شبکه محلی و منطقه‌ای استخراج مازاد روستایی درهم ریخت و شهر کرمان در پی عملکردهای سلطه‌جویانه خود جذب

[Downloaded from system.khu.ac.ir on 2026-11-02]
[DOI: 10.18869/acadpub.serd.4.13.71]

مازادی را آغاز کرد که صرفا از تولید حاصل نمی‌شد بلکه حق امتیاز مالکانه‌ای بود که از سوی حاکمیت به شهرها تزریق می‌شد تا موجب تولید، تحرک و تمرکز مازاد بیشتر گردد.

کشاورزی، معادن و صنایع وابسته به آن و سازوکارهای بودجه‌ای و برنامه‌های عمرانی، بردارهای گردش مازاد در این دوره محسوب می‌شدند. در کشاورزی روابط اقتصادی مبتنی بر ارباب و رعیتی به بن بست رسید و نظام بهره‌برداری خرده مالکی نظام غالب در روستاهای استان شد. در این نظام تولید کننده اصلی خانوارهای روستایی هستند که به وسیله رئیس خانواده و با کمک اعضای خانوار و کارگران روزمزد در اراضی وسیع به تولید محصول می‌پردازند. به موازات آن، فعالیت‌های کشاورزی سرمایه داری نیز گسترش یافت.

داده‌های آمارگیری کشاورزی روستائی سال ۱۳۵۴ نشان می‌دهد از کل مساحت بهره‌برداری‌های با زمین در کشور، ۱/۹۸ درصد متعلق به استان کرمان بوده که ۴/۷۸ درصد بهره‌برداران کشور در آن فعالیت داشته-اند. در این سال طبقه بهره‌برداران کمتر از یک هکتار زمین در استان، ۶۵/۳ درصد بهره‌برداران بوده که فقط ۶/۱۴ درصد مساحت زمین‌ها را در اختیار داشته‌اند و در طبقه صد هکتار و بیشتر، ۰/۲۵ درصد بهره‌برداران، ۱۶/۶۷ درصد زمین‌ها را در اختیار داشته‌اند. با گذشت چهل سال از اصلاحات ارضی، درسال ۱۳۸۲ تغییرات قابل توجهی در این طبقه‌بندی دیده نمی‌شود. به‌طوری که بر اساس نتایج سرشماری عمومی کشاورزی، بهره‌برداری‌های کمتر از یک هکتار ۴۲/۰۵ درصد جمعیت بهره‌برداران و ۴/۴۷ درصد زمین‌ها را در این سال در اختیار داشته‌اند. برای طبقه بهره‌برداری ۵۰ هکتار و بیشتر،۰/۵۱ درصد جمعیت و ۱۶/۴ درصد زمین‌ها گزارش شده است. بنابراین طبقه‌بندی جمعیت بهره‌بردار کشاورز با زمین، هرمی را به نمایش می‌گذارد که در رأس آن تعداد کمی بهره‌برداران بزرگ و در قاعده تعداد زیادی بهره‌بردار کم زمین قرار دارد که این امر موجب توزیع و پراکندگی مازاد محصول کشاورزی می‌گردد.

به همین دلیل سهم بخش کشاورزی در تولید ناخالص داخلی روند کاهشی را پیموده و موجب افزایش نابرابری درآمد میان شهر و روستا شده است. در سال ۱۳۵۴مجموع تولید ناخالص استان بالغ بر ۲۶/۸ میلیارد ریال برآورد شده که ۸/۷ میلیارد ریال (۳۲/۴۶ درصد) در بخش کشاورزی، ۳/۹ میلیارد ریال (۱۴/۵۵ درصد) در صنایع و معادن و ۱۴/۲ میلیارد ریال یا ۵۲/۹۸ درصد در بخش خدمات تولید شده است. توسعه بی‌رویه باغداری از سوی مالکان موجب کاهش بازده تولیدات اصلی کشاورزی می شد. در این سال ۸۶ درصد سطح زیر کشت پسته کشور، ۱۸ درصد سطح زیر کشت پرتقال و ۲۵ درصد سطح زیر کشت لیموترش کشور به استان کرمان تعلق داشته است.

افزایش قیمت نفت در دهه پنجاه و پیدایی مازاد عظیم ملی به‌عنوان منبع اصلی انباشت سرمایه، موجب تحرک اقتصادی گردید و مهندسی اجتماعی متکی بر قدرت صنعت آغاز شد. استان کرمان نیز به دلیل

[Downloaded from system.khu.ac.ir on 2026-11-02]
[DOI: 10.18869/acadpub.serd.4.13.71]

توانمندی‌های نسبی ناحیه‌ای و وجود ذخایر متعدد معدنی از جمله مناطقی بود که در چارچوب رشد سرمایه-داری وابسته در مسیر صنعتی شدن قرار گرفت. سرمایه‌گذاری‌های انبوه در کارگاه‌های صنعتی و استخراج معادن آغاز شد و مادرشهر ناحیه‌ای کرمان با اختصاص قسمتی از تحولات زیرساختی منطقه به خود، شرایط را برای خروج بخش مهمی از مازاد حاصل از فعالیت‌های معدنی – صنعتی به خارج از منطقه آماده ساخت. در برنامه چهارم (۵۱-۱۳۴۶) دولت با سرمایه‌گذاری ۷۵۰۰ میلیون ریالی در صنایع و معادن استان، ۱۰۵۰۰ شغل را در این زمینه ایجاد کرد.

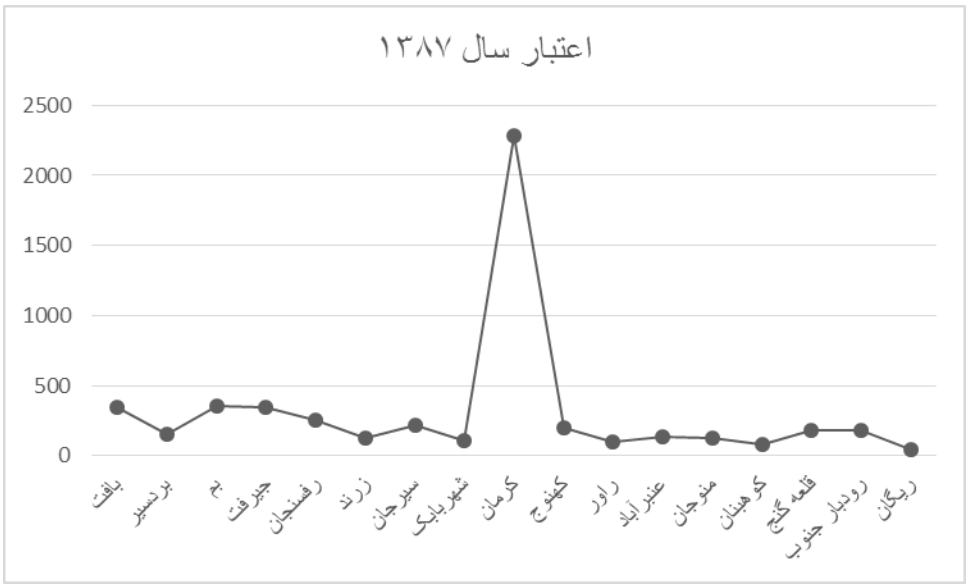
در برنامه پنجم (۵۶- ۱۳۵۲) سرمایه‌گذاری دولتی به ۴۰ هزار میلیون ریال افزایش یافت و موجب اشتغال ۱۳۵۰۰ نفر در فعالیت‌های صنعتی – معدنی گردید. دهه پنجاه را می‌توان دهه صنعتی شدن استان دانست. معادن زغال سنگ شمال استان، صنایع سیمان کرمان، معادن سنگ آهن گل‌گهر سیرجان و منابع مس سرچشمه به بهره‌برداری رسیدند. در حال حاضر معادن فعال استان ارزش افزوده بالایی تولید می‌کنند. در سال ۱۳۸۱ ارزش ستانده معادن فعال استان ۱۲۷۸۹۳۹۱ میلیون ریال و ارزش داده ها بالغ بر ۳۳۴۹۲۱۳ میلیون ریال بوده است. در واقع ارزش داده‌ها ۲۶/۱۸ درصد کل ارزش ستانده است. به عبارت دیگر، در معادن استان به ازای هر یک میلیون ریال مصارف واسطه، در حدود ۲/۸ میلیون ریال ارزش افزوده به‌دست می‌آید. ارزش افزوده بخش صنعت و معدن استان در سال ۱۳۸۹ بالغ بر ۶۰۸۰۸۰۳۷ میلیون ریال بوده که ۲۶ درصد کل ارزش افزوده صنعت و معدن کشور را شامل شده است. علی‌رغم سهم قابل توجه این ذخایر در اقتصاد ملی، صنایع معدنی در ساخت اقتصادی و اجتماعی استان اثر چندانی ندارند و فعالیت وسیع در این زمینه به صورت مجزا و با حداقل ارتباط با ناحیه در جریان است. به‌علاوه، سمت و سوی مازاد صنعتی – معدنی از منطقه به سوی مرکز است و مادرشهر ناحیه‌ای کرمان بخش اعظمی از این مازاد را زهکشی می‌کند.

یکی دیگر از بردارهای مازاد، ناشی از سازوکارهای مالی دولت است. بدین معنا که دولت مدیریت منابع مالی را از طریق ابزار بودجه و برنامه‌های عمرانی در فرآیند توسعه به‌کار می‌گیرد و با تقویت دستگاه دولت و سرمایه‌گذاری در شهرها، جریان مازاد از طریق سازوکارهای مالی را امکان‌پذیر می‌سازد. واقعیت این است که در اعتبارات دولتی اولویت‌های توسعه‌ای نامشخص است، معیارهای منطقی برای مصرف هزینه‌های عمرانی وجود ندارد، کارآیی هزینه‌های جاری سوال برانگیز است و اتلاف منابع در این زمینه چشمگیر است. برأساس گزارش استانداری کرمان در سال ۱۳۹۰، تعداد ۴۲۱۲ نفر کارمند رسمی، ۲۲۴۶ نفر کارمند پیمانی و ۲۳۶۱ نفر (سایر موارد) در دستگاه‌های مشمول نظام بودجه هزینه‌ای در سطح استان مشغول به‌کار هستند. در همین سال حدود ۴۲ درصد از چارت سازمانی استان (حدود ۲۶۰۰ پست) پست بالای تصدی داشته است.

[Downloaded from system.khu.ac.ir on 2026-11-02]

[DOI: 10.18869/acadpub.serd.4.13.71]

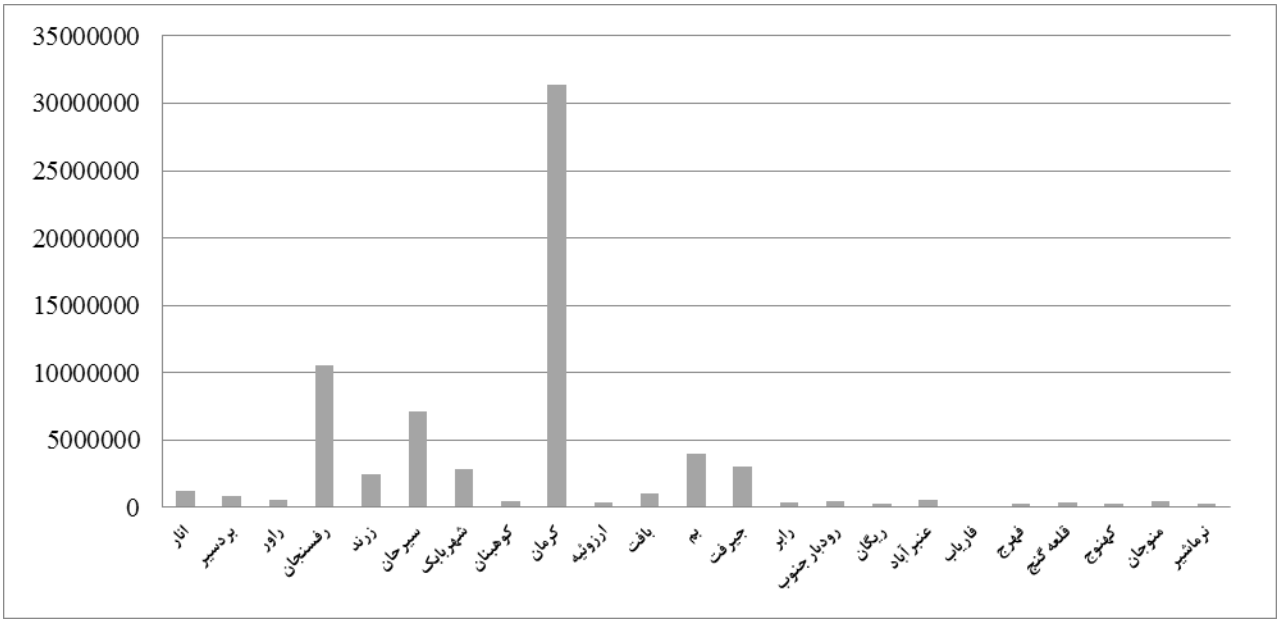
در برنامه چهارم جمهوری اسلامی کرمان که جایگاه دوم را پس از خوزستان داشته، ۸/۳ درصد (۷۱۱۱ میلیون ریال) اعتبارات ملی را به خود اختصاص داده است. اما توزیع جغرافیایی اعتبارات پروژه‌های عمرانی حکایت از نابرابری و ناهمگونی فضایی در تخصیص منابع دارد.کرمان به گونه ای مسلط و کاملا نابرابر بخش عمده جریان مازاد از طریق اعتبارات عمرانی را در خود متمرکز می کند (شکل ۳).



شکل شماره (۳): توزیع جغرافیایی اعتبار پروژه‌های عمرانی در برنامه چهارم توسعه (مبلغ میلیارد ریال)

در زمینه فعالیت‌های بانکی نیز مقایسه حجم سپرده‌های شهرها نشان می‌دهد که حدود نیمی از این انباشت در مادرشهر کرمان متمرکز است و شهرهای رفسنجان، سیرجان، بم، جیرفت و زرند در جذب و انباشت نیمی دیگر سهیم هستند (شکل ۴). در واقع شکل‌های ۳ و۴ که الگوی توزیع اعتبارات عمرانی و سپرده‌های بانکی را میان عناصر اصلی شبکه شهری نشان می‌دهند، بیانگر سلطه بی‌چون و چرای کرمان در تصاحب و برخورداری از جریان مازاد است. واضح است، الگوی گردش و تمرکز این چنین نابرابر مازاد، نه تنها در سازمان فضایی نظام سکونتگاهی (فضای ناحیه) به صورت توسعه نابرابر منعکس می‌شود بلکه در درون همین فضا اشکال و شبکه‌ای جدید اما نابرابر از شهرها و نواحی شهری – روستایی را سازماندهی و بازسازماندهی می‌کند.

[Downloaded from system.khu.ac.ir on 2026-11-02]
[DOI: 10.18869/acadpub.serd.4.13.71]



شکل شماره (۴): سپرده‌های بانکی بر حسب شهرستان‌های شمال و جنوب استان ۱۳۹۰ (میلیون ریال)

سوم، دگرگونی‌های شهری و جذب مازاد

اگر پذیرفته شود که خرده الگوهای فضایی شهرها (ساختار اجتماعی- فضایی داخل شهرها) سریع‌تر از الگوهای فضایی کلان (سیستم سکونتگاه‌های شهری) تغییر می‌کنند(Musil,1993: 900)،لازم است فرآیندهای شهری را به‌عنوان فعالیت‌های در حال انجام بازیگران و سازمان‌هایی بدانیم که موفقیت خود را در فضا بهینه‌سازی می‌کنند. از دهه ۱۳۷۰ روند شهری شدن به مجرایی عمده برای استفاده از رانت (مازاد) تبدیل شده و جذب این مازاد از طریق دگرگونی‌های شهری صورت می‌گیرد. عمده‌ترین ساختارهای رانت-جویی از طریق خلق فضا، طرح‌های پر منفعت توسعه و عمران شهری و انجام پروژهای غیراقتصادی است که تولید ارزش و ارزش اضافه می‌کند. بخش خصوصی و کنش‌گران دولتی در طراحی و اجرای پروژه‌های شهری که فاقد ارزیابی اقتصادی و تحلیل هزینه و فایده هستند، مشارکت می‌کنند و در این زمینه بیشتر ریسک‌ها را دولت می‌پذیرد و بخش خصوصی بیشترین سود را نصیب خود می‌سازد. نمونه بارز این پروژه‌ها که در ادبیات اقتصاد سیاسی به‌عنوان "فیل‌های سفید" (خضری، ۱۳۸۴: ۱۸۶) از آن یاد می‌شود، احداث و اجرای تقاطع-های غیر همسطح است که از این پس به تقلید از تهران و کلان‌شهرهای جهانی، در سایر شهرهای کشور انجام می‌شود. اجرای این پروژه‌ها که برای مدیریت شهری به ابزار عمرانی برای موفقیت در رقابت‌های انتخاباتی به منظور نزدیک شدن بیشتر و طولانی‌تر به رانت تبدیل شده، عامل اصلی دگرگونی شهری برای جذب و جریان مازاد در شهرهاست.

[Downloaded from system.khu.ac.ir on 2026-11-02]
[DOI: 10.18869/acadpub.serd.4.13.71]

در شهر کرمان اجرای تقاطع‌های غیرهمسطح بازتاب فضایی بارزی در دگرگونی شهری پیدا کرده است. این برنامه که در برگیرنده پروژه‌های وسیع پل‌سازی است نه تنها بیانگر واقعیت سوء تخصیص‌ها در تصمیمات مربوط به سرمایه‌گذاری در امور و عمران شهری است، بلکه به‌گونه‌ای نابرابر گردش و تمرکز مازاد در مادرشهر و بلوک قدرت ناحیه را برای انباشتگی بیشتر در سازمان فضایی ناحیه به دنبال دارد. به‌گونه‌ای که در این شهر ۲۰ تقاطع غیرمسطح برای اجرا در دوره فعلی (۱۲ پل) و دوره بعدی (۸ پل) شهرداری و شورای شهر مطالعه و تعریف شده است. این بدان معناست که این پروژه‌ها جذب مازاد را در مادرشهر ناحیه برای سال‌های متوالی در آینده تأمین خواهند کرد. بدین‌سان، مدیران شهری در سودای پیوستن به کلان‌شهرهای کشور و بومی-سازی صنعت پل‌سازی و حل مشکل ترافیک، این قبیل طرح‌ها را با اشتیاق، عزم و اراده وصف‌ناپذیری به اجرا درمی‌آورند. به‌علاوه، رقابت فزاینده بانک‌ها در کسب امتیازات، انباشت ثروت و توسعه مستغلات در مادرشهر کرمان چنان پر رونق است که در محدوده ۷ کیلومتری از خیابان اصلی شهر (چهار راه امیر کبیر تا میدان مشتاق) بیش از صدها بانک و مؤسسه مالی احداث شده است.

شهرداری کرمان در جذب سرمایه‌گذاری بخش خصوصی در سال ۱۳۹۰ رتبه سوم کشور را کسب کرده است و تاکنون ۸۰۰۰ میلیارد ریال توسط شهرداری جذب شده است. بنابراین در دهه‌های اخیر دگرگونی‌های شهری برای تولید و بازتولید فضای عامل مهم در گردش و تمرکز مازاد محسوب می‌شود. در واقع نه تنها ساختار سیاسی کشور در الگوی گردش مازاد ملی، بلکه نحوه سرمایه‌گذاری عمرانی نیز به شهری شدن متمرکز و توسعه مادرشهر ناحیه اختصاص یافته است و جریان‌های رو به رشد جمعیت و سرمایه در رأس نظام شهری حاکی از تغییرات تدریجی شبکه از ساختار سلسله مراتبی به ساختار افقی است.

چهارم، الگوهای فضایی حاصل از گردش مازاد

پس از فروپاشی ساختار سلطه‌گری حاصل از سرمایه‌داری بهره‌بری، شهر کرمان با جذب مازاد ملی ویژگی کارکردی سیطره‌آمیز خود را هم چنان بر نظام شهری ناحیه حفظ کرد. این بار مازاد ملی در جهتی متفاوت از بالا به پایین به سمت شهرهای بزرگ جاری شد تا تولید ارزش دوباره کرده و شرایط انباشت را فراهم آورد. در این دوره هر شهر گسسته از روابط ارگانیک پیشین خود با روستا، جریان مازاد را به رأس هرم شبکه شهری انتقال داده و در یک ارتباط زنجیره‌ای موجب تمرکز مازاد در مادرشهر ملی و ناحیه‌ای گردید.

در سرشماری ۱۳۵۵ جمعیت استان به یک میلیون نفر رسیده و شهر کرمان با ارتقاء جایگاه و فاصله گرفتن از سایر شهرها، به آستانه جمعیتی ۲۵۰-۱۰۰ هزار نفر رسید و بیش از ۴۰ درصد جمعیت شهری را در خود اسکان داده است. این نظم جدید، عمدتاً بر اساس نظام سلسله مراتب اداری و تقسیمات سیاسی

[Downloaded from system.khu.ac.ir on 2026-11-02]
[DOI: 10.18869/acadpub.serd.4.13.71]

سازماندهی می‌شود که دولت به‌منظور مدیریت بر کشور و توزیع مازاد ملی تدارک دیده است. به‌دنبال سرمایه‌گذاری‌های قابل توجه در صنعت بین سال‌های ۱۳۵۵- ۱۳۴۵، بیشترین تغییرات جمعیتی در زرند (۶/ ۱۴ درصد)، شهرک مس سرچشمه (۱۴/۷ درصد) و بردسیر (۱۱/۸ درصد) رخ داده است. رشد ۱۱/۶ درصدی جمعیت جیرفت و ۲۰/۹ درصدی کهنوج در این دهه نیز با سرمایه‌گذاری در نواحی مستعد کشاورزی (کشت و صنعت و سازمان عمران جیرفت) مربوط است. با این حال، بیشترین تغییرات جمعیتی در دهه ۱۳۵۵-۱۳۶۵ مربوط به شهرک مس سرچشمه با ۴۱/۶ درصد به عنوان شهرک صنعتی و عنبرآباد (۶۱/ ۳۳ درصد) به‌عنوان یک کانون کشاورزی است. این تغییرات بازتاب الگوهای جدید گردش مازاد در شبکه شهری به شمار می‌رود که این چنین اثرات خود را در سازمان فضایی نظام شهری استان نمایان می‌سازد. جدای از مادرشهر ناحیه‌ای کرمان به عنوان کانون اصلی قدرت سیاسی و اقتصادی در جذب، توزیع و بازتوزیع مازاد جدید، رشد استثنایی سایر مراکز شهری کوچک عمدتا تابع سیاست‌های اقتصادی – اجتماعی است که اولویت‌های سرمایه‌گذاری را در صنعتی کردن و شهرگرایی متمرکز کرده است. بدین‌سان، چنان که در فضای ملی مشاهده می‌شود، رشد قطب‌های بدون رقیب در فضای ناحیه‌ای نیز تسریع شده است.

پیروزی انقلاب و وقوع جنگ هر یک محرک‌هایی برای جذب جمعیت در مادر شهرها شدند. از همین رو، در سرشماری ۱۳۶۵ شهر کرمان در اندازه جمعیتی ۵۰۰-۲۵۰ هزار نفر به طبقه شهرهای بزرگ کشور پیوست و ۳۷ درصد جمعیت شهری را در خود اسکان داد. به‌علاوه، در این دهه حدود دو سوم کانون‌های جمعیتی وارد طبقه بیش از ده هزار نفر شدند و ضریب شهرنشینی به ۴۳ درصد رسید. بدین ترتیب، رشد مادرشهر ناحیه و افزایش تعداد شهرهای کوچک به صورت گسست فضایی (محدودیت شهرهای متوسط) در نظام شهری استان ظاهر شده است. در دهه ۷۵-۱۳۶۵ مخاطرات محیطی از جمله زلزله و خشکسالی در رشد منفی جمعیت در کانون‌هایی چون شهداد (۱/۷۷- درصد) و گلباف (۳/۱ – درصد) نمایان شد. در شهرک سرچشمه و کیان‌شهر (صنایع مربوط به زغال سنگ) سیاست‌های تعدیل ساختاری عامل اصلی رشد منفی جمعیت (سرچشمه ۴/۶- و کیان شهر ۵/۸- درصد) در سال‌های پایانی دهه ۱۳۶۵-۱۳۷۵ بوده است.

در مقابل، شهرهای جنوب استان به‌دنبال رونق صادرات محصولات کشاورزی از رشد قابل ملاحظه‌ای برخوردار شده‌اند؛ برای مثال شهرستان قلعه گنج با اکثریت جمعیت روستانشین در این مقطع رشد ۲۱/۲ درصدی را تجربه کرده است. در دهه ۱۳۷۵ جمعیت شهرنشین استان به بیش از یک میلیون نفر و ضریب شهرنشینی به ۵۳ درصد رسید. گرایش به تعادل در نظام شهری و کاهش فاصله طبقاتی شهر نخست با دیگر شهرها، ویژگی بارز نظام شبکه شهری در این دوره است که حاصل سیاست‌های اقتصادی دولت از جمله ایجاد منطقه ویژه اقتصادی در سیرجان و جذب جمعیت در شهرهای میانی است. با این حال، استخوان‌بندی اصلی

[Downloaded from system.khu.ac.ir on 2026-11-02]

[DOI: 10.18869/acadpub.serd.4.13.71]

نظام شبکه شهری هنوز متشکل از شهرهای کوچک کمتر از ۲۵ هزار نفر جمعیت (دو سوم شهرها) بوده است. عبور شهرنشینی از مرز ۵۰ درصد و اسکان بیش از نیمی از جمعیت در شهرها نقطه عطف تاریخ شهرنشینی این دوره است که در جای خود بیانگر برتری‌یابی زندگی شهری در یکی از قدیمی‌ترین مراکز استقرار انسانی کشور در فلات مرکزی ایران است. در سال ۱۳۸۵ کرمان نخست شهر ناحیه، به طبقه شهرهای نیم میلیونی کشور پیوست و جایگاه خود را در این رده جمعیتی تثبیت کرد. با این حال شاخص نخست شهری (۰/۵۶) بدون تغییر باقی ماند.

به موازات رشد شهرنشینی، افزایش بی سابقه روستاشهرهای کمتر از ۱۰ هزار نفر، به انباشتگی شهرها در این طبقه شهری منجر شده است. در سال‌های ۱۳۸۵ و ۱۳۹۰ به ترتیب ۴۰ و ۴۲ نقطه شهری استان روستا شهرهای کمتر از ۱۰ هزار نفر بوده‌اند. سهم این شهرها از مجموعه شهری استان به ترتیب ۷۰ و ۶۶ درصد است ولی به طور میانگین فقط ۱۲/۵ درصد جمعیت شهری را در خود اسکان داده‌اند. این ناتوانی در بهینه-سازی و بازساخت نظام توزیع اندازه فضایی شبکه شهری، خود یکی از دلایل اصلی ناکارآمدی شهرهای کوچک در تعادل و توسعه منطقه‌ای و در نتیجه نقد ناکامی سیاست‌های اداری و تصمیم‌گیری‌های سیاسی است که با اتکاء بر قدرت مداخله‌گرایانه سیاسی و مازاد ملی در اختیار آن، راه حل برنامه‌ریزی فضایی برای ساخت و بازساخت نظام سکونتگاهی را در تغییر موقعیت و تبدیل نقاط روستایی به شهر برگزیده است. بر همین اساس می‌توان انتظار داشت در آینده یکی از چالش‌های اصلی نظام شهری و فضای ناحیه‌ای استان، ناپایداری شهرهای کوچک نظام شهری باشد. اگرچه سه شهر رفسنجان، سیرجان و جیرفت به طبقه شهرهای متوسط ۱۰۰ تا ۲۵۰ هزار نفری پیوسته و ۲۶/۵ درصد جمعیت شهری را در خود اسکان داده‌اند، اما کماکان یک سوم جمعیت شهری در نخست شهر کرمان سکونت دارد و در نتیجه ساخت نظام شبکه همچنان بر مدار برتری و سلطه مادر شهر ناحیه استوار است.

۵) نتیجه‌گیری

مطالعه دگرگونی‌های اقتصاد محلی و جریان مازاد قلمروهای کشاورزی از یک سو و روند شهری شدن و رشد شهرها در چارچوب جریان مازاد در خلال نیم قرن (۹۱-۱۳۴۱) از سوی دیگر در استان کرمان، علی‌رغم محدودیت‌های آشکار امکان دستیابی به برخی نتایج اساسی برای تصمیم‌سازی در برنامه‌ریزی شهری را فراهم می‌آورد. فضای ناحیه‌ای کرمان روند شهری شدن طولانی و آرامی را طی کرده است. ویژگی بارز در نیم قرن اخیر، تمرکز آشکار جمعیت در مادرشهر اصلی و نخست شهر ناحیه با درجه برتری در نظام شهری بوده است. به‌علاوه، تشریح شهری شدن از طریق مراکز شهری کوچک و تعداد زیادی روستاشهر، موانعی هستند که

[Downloaded from system.khu.ac.ir on 2026-11-02]
[DOI: 10.18869/acadpub.serd.4.13.71]

دسترسی به خدمات اساسی، اشتغال بیشتر و کسب درآمدهای برابر را برای جمعیت قابل توجهی غیرممکن و دستیابی به تعادل در عملکرد و اندازه شهرها را دشوار ساخته است. مرکز سلطه اقتصادی (مادرشهر ناحیه) با سرمایه‌گذاری‌های قابل توجه و جذب مازاد اجتماعی، فعالیت و جمعیت بیشتر، روند برتری خود را تثبیت می‌کند و این رسالت تاریخی و جغرافیایی در انباشت ثروت و تمرکز فعالیت‌های اداری، اقتصادی و جمعیتی همچنان ادامه دارد. اگر چه برخی شهرها به آستانه جمعیتی شهرهای میانی دست یافته‌اند اما باید اذعان داشت که تغییرات چندان مهمی در عرصه اقتصادی اتفاق نیفتاده و گذار از این فرآیند برای بازساخت نظام شهری به عوامل ویژه و قدرتمندی بستگی دارد که توازن و تعادل میان تولید مازاد و جذب واقعی آن را در شبکه میسر سازد.

در رأس شبکه، شهر کرمان روند توسعه به سمت یک شهر چند مرکزی را به آرامی طی می‌کند که پیامد احتمالی آن در آینده تغییر از ساختار سلسله مراتبی به ساختار افقی است. در واقع این نقطه آغازی است بر تغییر موقعیت از مکان مرکزی سنتی به موقعیت شهرها در جامعه‌ای شبکه‌ای که به زعم کاستلز، نظامی متشکل از نقاط پراکنده و شبکه شده است تا جریان انتقال مازاد را برای سرمایه‌داری جهانی تسریع کند (صرافی، ۱۳۷۹: ۱۶۷).

طی دهه‌های اخیر به دنبال تغییرات در ساختار درون شهری، عملکردهای متمایزی نسبت به گذشته آشکار شده است. مادرشهر ناحیه در موقعیت توسعه یک سیستم چندگرهی محلی قرار دارد و شهرهایی که به ویژه آستانه جمعیتی خود را ارتقاء داده‌اند، همچون گره‌هایی با جریان‌های متقارن‌تر عمل می‌کنند. هر چند آشکار کردن مرزهای گذار مشکل است اما پر واضح است در ساختار اقتصاد سنتی، می‌توان نوعی سازمان شهری را فرض کرد که بر اساس ساختاری سلسله مراتبی، اجزاء خودش را در یک ارتباط عمودی پایه‌گذاری کند؛ به‌طوری که بزرگ‌ترین مرکز انواع خدمات و کالاها را فراهم آورد و در حرکت به سمت پایین ، از اندازه شهرها و انواع عملکردها کاسته شود. بدیهی است چنین شکلی از رابطه در فضای اقتصادی نسبتاً بسته و به دور از فن‌آوری‌های جدید پذیرفتنی است. اما نباید ابداعات فن‌آوری و ارتباطات روز افزون میان فرآیندهای جهانی با زندگی محلی و تغییرات در فرصت‌های اقتصادی را که امکان تعامل گسترده در فضاهای ملی و ناحیه‌ای ایجاد می‌کند، نادیده گرفت.

بر اساس مدل نظری، توسعه و تعادل ناحیه‌ای و توازن نظام منطقه‌ای در ارتباط با دو عامل، عملکردهای داخلی و پویایی خارجی قابل تبیین است. از نظر علمی دستیابی به برابری در فضای ناحیه‌ای و گرایش به تعادل در نظام شهری مستلزم انجام فعالیت‌هایی در جهت یکپارچگی ناحیه‌ای و برقراری روابط متنوع با جهان اطراف است که نتیجه آن دسترسی به فرصت‌های برابر رشد برای اعضای شبکه است. بنابراین مدل

[Downloaded from system.khu.ac.ir on 2026-11-02]

[DOI: 10.18869/acadpub.serd.4.13.71]

قابل توسعه‌ای بر اساس رشد برون‌گرای گره بزرگ شهری (کرمان) در ادغام با چند گره قدیمی در حال توسعه (رفسنجان، سیرجان، جیرفت، بم، زرند) شکل می‌گیرد که لازم است با هدف تغییر در ساختار اشتغال ناحیه‌ای، ارتباطات خود را به لحاظ کمی و کیفی ارتقاء دهند و فعالیت‌هایی را که در تولید، جریان و جذب واقعی مازاد نقش دارند تنظیم و هماهنگ نمایند. به عبارت ساده‌تر، این فرآیندها تنها از یک هسته مرکزی کنترل نمی‌شوند بلکه با آگاهی یافتن از این امر که چه فعالیتی فعالیت‌های دیگر را تحریک می‌کند، موقعیت شهرهای کوچک جدا افتاده را در درون شبکه‌ای از تعاملات و تبادلات سازماندهی کند. شهرهای کوچک، خود با ایجاد مسیرهای جدید پیوندهای فعالی با دیگر گره‌ها برقرار می‌کنند و توزیع مطلوبی از اتصالات فیزیکی و پیوندهای عملکردی رشد می‌یابد. این پیوندها باید فرصت‌هایی را در اختیار شهرهای کوچک قرار دهند تا برای به حداکثر رساندن تولید درآمد خود، جایگاه قابل قبولی کسب کنند و ساختار و منابع خود را در مقیاس‌های متفاوتی به تحرک وادارند. از آنجا که مهم‌ترین تضمین برای پیشرفت اجتماعی اشتغال کامل است، باید ابتدا نابرابری میان اشتغال و عرضه کار را با سرمایه‌گذاری‌های متفرق و کوچک در این شهرها کاهش داد. از این طریق کارآیی اقتصاد محلی در چارچوب نظم و همگونی ناحیه‌ای شکل گرفته و توسعه می‌یابد. چنین سیستم‌هایی قادر به خود سازماندهی هستند و توانایی خلق فرآیندهایی را دارند که در آن قابلیت‌ها مدیریت می‌شود و سیستم پیچیده نسبت به ساختار ثابت توسعه می‌یابد. بازساخت چنین شبکه‌ای در کرمان، مستلزم توجه به رهیافت‌های زیر است:

- تجدید نظر در روابط سلطه جویانه مادرشهر ناحیه‌ای با دیگر شهرها مستلزم تدارک یک استراتژی واقعی توسعه ملی و تعادل ناحیه‌ای است که امکان پیشرفت تدریجی ناحیه را فراهم آورد؛
- نظام تولیدی استان در حال حاضر ناتوان از ایجاد سازوکارهایی است که قادر باشد به ثروت‌ها و قابلیت‌های موجود در این ناحیه ارزش اقتصادی و اجتماعی دهد. بنابراین هدایت منابع ملی به فعالیت‌هایی که یکپارچگی منطقه‌ای را تضمین کند و امکان برقراری رابطه متنوعی با جهان بیرون فراهم آورد، ضروری است؛
- برای آنکه برنامه‌ریزی شهری با موفقیت همراه باشد باید بر اساس برنامه‌ها و پروژهای دقیقی سازماندهی شود که تولید اشتغال کند و قادر باشد به تدریج در ساختار اجتماعی و حرفه‌ای جمعیت فعال تعادلی میان فعالیت-های تولیدی و خدماتی پدید آورد؛
- بدون زیر سوال بردن روابط ساختاری و بازنگری در مناسبات سلطه که در مضامین و قوانین جریان مازاد ملی جاری است، انباشت ثروت در انتهای دیگر طیف اجتماعی شبکه مسئله پیچیده و دشواری خواهد بود؛
- توان اقتصادی جامعه زمانی از زوال رو به رشد باز خواهد ایستاد که با اتکاء بر ظرفیت‌های اقتصادی، اجتماعی و فرهنگ محلی جلوه‌های جدیدی از تصمیم‌سازی، تولید و اشتغال در اقتصادهای محلی و کوچک پشتیبانی شوند.

[Downloaded from system.khu.ac.ir on 2026-11-02]

[DOI: 10.18869/acadpub.serd.4.13.71]

۶) منابع

- افراخته، حسن، (۱۳۹۱)، **اقتصاد فضا و توسعه روستایی**(مورد ناحیه تفت)، فصلنامه اقتصاد فضا و توسعه روستایی، سال اول ، شماره ۱،پاییز۱۳۹۱،صص ۵۴-۳۹.
- افروغ، عماد، (۱۳۷۹)**چشم اندازی نظری به تحلیل طبقاتی و توسعه**،تهران،مؤسسه فرهنگ و دانش.
- اهلرس، اکارت، (۱۳۸۰)، **سرمایه‌داری بهره‌بری و تکوین شهری در شرق اسلامی (نمونه ایران)**، ترجمه عباس سعیدی، ایران : شهر – روستا- عشایر (مجموعه مقالات) منشی، تهران،صص ۲۵۲ -۲۲۱.
- اعتماد، گیتی، (۱۳۸۳)، **شبکه شهرهای ایران**، شهر نشینی در ایران، (حسامیان، فرخ. اعتماد، گیتی. حائری، محمدرضا) مجموعه مقالات ، چاپ چهارم، انتشارات آگاه تهران ،صص ۱۴۸-۱۱۳.
- حکمت نیا، حسن و میر نجف موسوی، (۱۳۸۵)، **کاربرد مدل در جغرافیا با تاکید بربرنامه ریزی شهری و ناحیه ای** یزد ، علم نوین.
- خضری، محمد، (۱۳۸۴)، **اقتصاد رانت جویی (بررسی زمینه های رانت جویی در نظام بودجه ریزی دولتی ایران)** تهران : سازمان مدیریت و برنامه ریزی کشور.
- رزاقی، ابراهیم، (۱۳۸۱)،**آشنایی با اقتصاد ایران**، چاپ چهارم . تهران ، نشرنی .
- رئیس دانا، فریبرز، (۱۳۸۰)، **بررسی کاربردی توسعه و اقتصاد ایران، جلد دوم، توسعه بخش و فن شناسی** تهران ، نشر سرچشمه .
- ریترز،جرج T(۱۳۸۲)،**نظریه جامعه شناسی در دوران معاصر**،ترجمه محسن ثلاثی،چاپ هفتم،تهران،انتشارات علمی.
- سازمان برنامه و بودجه، (۱۳۴۶)، **برنامه چهارم عمرانی کشور** ۱۳۵۱-۱۳۴۷، تهران .
- ـــــ ، (۱۳۵۱)، **برنامه پنجم عمرانی کشور** ۱۳۵۶-۱۳۵۲، تهران.
- سازمان برنامه و بودجه، (۱۳۶۳)، **گزارش چارچوب نظری توسعه استان کرمان**، گروه آمایش سرزمین، کرمان.
- ـــــ ؛ (۱۳۵۴)، **برنامه توسعه اقتصادی و اجتماعی استان کرمان برنامه عمرای پنجم و خطوط اساسی برنامه ششم، جداول**، کرمان .
- ـــــ ؛ (۱۳۷۴)، **مطالعات جامع اقتصادی – اجتماعی استان کرمان** ،گزارش معدن ، کرمان.
- سازمان مدیریت و برنامه ریزی کشور ،(۱۳۷۹) ،**جمعیت شهرهای ایران ۷۵-۱۳۵۵**، تهران.
- ـــــ ؛ (۱۳۸۳)، **قانون برنامه چهارم توسعه**، تهران.
- سعیدی ، عباس، (۱۳۹۱) ،**پویش ساختاری کارکردی:رویکردی بدیل در برنامه ریزی فضایی**، فصلنامه اقتصاد فضا و توسعه روستایی، سال اول ، شماره ۱ ،پاییز ۱۳۹۱،صص۱۸-۱ .
- سینجر، پل، (۱۳۵۸) ،**اقتصاد سیاسی شهرنشینی** ،ترجمه مهدی کاظمی بیدهندی و فرخ حسامیان ،تهران ، نشر ایران.
- شاه حسینی، پروانه و محمدتقی راهنمایی، (۱۳۸۹) ،**شهرشناسی تطبیقی ایران با تاکید بر استان های مازندران و هرمزگان** . تهران ، سمت.
- صرافی، مظفر، (۱۳۷۹)، **شهری شدن جهان و جهانی شدن شهرها: طرح مساله ای برای جنوب** . اطلاعات سیاسی – اقتصادی، شماره ۱۵۶- ۱۵۵ ،صص ۱۶۴ تا ۱۶۷.

[Downloaded from system.khu.ac.ir on 2026-11-02]

[DOI: 10.18869/acadpub.serd.4.13.71]

- ضرابی، اصغر و علی اصغر عبدالهی، (۱۳۸۵)، **تغییرات نظام شهری در عصر جهانی شدن**، مجموعه مقالات اولین همایش جغرافیا و قرن ۲۱ - دانشگاه ازاد اسلامی نجف اباد ، صص۷۲- ۶۰.
- عظیمی آرانی، حسین، (۱۳۸۳) ،**مدارهای توسعه نیافتگی در اقتصاد ایران**، چاپ پنجم، تهران ، نشرنی.
- عظیمی دوبخشری، ناصر، (۱۳۷۹)،**تحولات نظام شهری در گیلان:گذشته،حال و آینده**،رساله دکتری به راهنمایی دکتر مصطفی مومنی ، رشته جغرافیا و برنامه ریزی شهری،گروه جغرافیا،دانشگاه شهید بهشتی.
- ـــــ ؛ (۱۳۸۱)،**تاریخ تحولات اجتماعی و اقتصادی گیلان**،نگاهی نو،رشت،نشر گیلکان.
- علی اکبری، اسماعیل، (۱۳۸۹)، **ساختار شناسی بردارهای شهرنشینی درایران**، تهران ، مهکامه .
- ـــــ ؛ (۱۳۹۲)،**طرح های منطقه ای و تمرکز گرایی در ساختار فضایی نظام های شهری**،نمونه موردی:استان کرمانشاه ، برنامه ریزی کالبدی - فضایی،سال اول،شماره ۲ ،بهار ۱۳۹۲،دانشگاه پیام نور،صص ۳۷-۵۴.
- مرکز آمار ایران، (۱۳۵۴)، **نتایج آمار گیری کشاورزی**، تهران.
- ـــــ ؛ (۱۳۸۲)، **نتایج سر شماری عمومی کشاورزی**، تهران .
- ـــــ ؛ **سالنامه های آماری ۱۳۴۵،۱۳۳۵، ۱۳۹۰،۱۳۸۷.**
- معاونت برنامه ریزی و نظارت راهبردی رئیس جمهور ،(۱۳۸۸) ،**گزارش اقتصادی سال ۱۳۸۶ و نظارت بر عملکرد سه ساله اول برنامه چهارم توسعه** ، جلد اول : حوزه های فرابخشی، تهران.
- ـــــ ؛ (۱۳۸۹) ،**گزارش نظارتی پروژهای عمرانی استان سال ۱۳۸۷**، جلد اول : نظارت برعملکرد،کرمان.
- مندل، ارنست، (۱۳۸۶)،**اقتصاد سیاسی**،ترجمه کمال خالق پناه، تهران،نشر گل آذین.
- نظریان، اصغر، (۱۳۸۹)، **پویایی نظام شهری ایران**، چاپ دوم، مبتکران تهران.
- وزارت کشور، (۱۳۳۵)، **گزارش خلاصه سرشماری عمومی کشور**، جلد دوم ، مشخصات جمعیت خانوار کشور، تهران.
- ـــــ ، (۱۳۹۰) ،**گام های اقتصادی استان در سال های ۸۹- ۸۸** ، استانداری کرمان، معاونت برنامه ریزی.
- ـــــ ، (۱۳۹۱)،**گزارش وضعیت بودجه هزینه ای استان کرمان ۹۰-۱۳۸۹ و لایحه ۱۳۹۱**. ،استانداری کرمان، معاونت برنامه ریزی.
- هاروی، دیوید، (۱۳۸۵)، **شهر و مازاد، مفهوم شهر** ، ترجمه بهروز منادی زاده ، تهران ، گروه مطالعات شهری و منطقه ای.
- ـــــ ، (۱۳۸۶)، **تاریخ مختصر نئولیبرا لیسم** ، ترجمه محمود عبد الله زاده ، تهران ، اختران .
- ـــــ ،(۱۳۸۷)، **شهری شدن سرمایه، چرخه دوم انباشت سرمایه در تولید محیط مصنوع** ، ترجمه عارف اقوامی مقدم، تهران ، اختران.
- English , P. W., (1966),**city and village in Iran , settlement and economy in Kerman Basin** , the university of Wisconsin press , Madison , malwares and London .
- Musil , J. (1993**) changing urban systems in post – communist societies in central Europe** , analysis and prediction, htt p: // usj . sage pub . com / content / 30 / 6/ 899 time 22, date 2013.
- Vanderlaan , I, (1998**) change in urban systems : An empirical A nalysis at two spatial levels**, http: // www. Tandfon line.com / toi/cres20 time 23 =18date 2013

[Downloaded from system.khu.ac.ir on 2026-11-02]

[DOI: 10.18869/acadpub.serd.4.13.71]